

هدف از

برگزاری مسابقه کتابخوانی گسترش فرهنگ کتاب و کتابخوانی

مسابقات کتابخوانی علاوه بر دستیابی به هدف فوق ، بالا بردن میزان مطالعه و تقویت روحیه خودباوری برای همکاران را در بردارد .

امر مطالعه راهی بسیار ساده و عملی است تا بتوانیم با خواندن کتابهای مختلف به سوی تکامل، تصمیم گیری و کسب تجارب سوق یابیم .

اهداف برنامه :

- 1- تحکیم و تعمیق ارزشها ، باورهای دینی ، آموزه های سیاسی و اجتماعی در بین همکاران.
- 2- ایجاد زمینه ی مناسب جهت آموزش و ارتقای سطح آگاهی ، علمی، فرهنگی، اجتماعی و ... در همکاران.
- 3- توسعه و تقویت مشارکت درفعالیت های فرهنگی اداره.
- 4- فراهم کردن زمینه ی مساعد در جهت تبادل تجربیات، تعامل فکر و اندیشه و رقابت سالم بین همکاران.
- 5-تلاش برای غنی سازی اوقات غیرارائه خدمت، باهدف ایجاد نشاط وانگیزش بیشتر برای همکاران.

به نام خداوند سبز و سپید خداوند سال و خداوند عید

مقدمه

جهان هیچ‌گاه بدون حجت آسمانی نبوده و نخواهد بود. آخرین حجت روی زمین و آخرین امام شیعیان، امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف است که با اینکه بین مردم زندگی می‌کند ولی هیچ‌کس ایشان را نمی‌شناسد تا روزی که خداوند مهربان فرمان ظهور را صادر کند و شایستگان، جهانی بدون ظلم و ستم را تجربه کنند. در طول تاریخ اسلام، همواره نگاه مؤمنان به آینده‌ای روشن دوخته شده؛ آینده‌ای که در آن عدالت جای ظلم و نور جای تاریکی را خواهد گرفت. این امید، تنها یک احساس درونی یا آرزوی ذهنی نیست، بلکه وعده‌ای الهی و حقیقی است که با نام امام زمان (عج) معنا می‌گیرد.

او نه تنها مصلح نهایی، بلکه نشانه‌ای زنده از پیوستگی زمین به آسمان است.

خانواده امام زمان (عج)

مادر ایشان دختر یوشعاً، پسر قیصر روم و از نسل شمعون، یکی از حواریون مسیح (ع) بود. نام این بانوی بزرگوار را نرجس، سوسن، صقیل و ملیکه ذکر کرده‌اند. هنگامی که این بانوی شریف در روم بود خواب‌های عجیبی می‌دید. یکبار پیامبر اسلام (ص) و عیسی (ع) او را به عقد امام حسن عسگری (ع) درآوردند و باردیگر به دعوت برترین بانوی اسلام حضرت فاطمه (س) مسلمان شد.

در خوابی دیگر فرمان داده شد که هنگام جنگ مسلمانان با رومیان در لباس کنیزان همراه سپاهیان رومی عازم مرزشود و چنین کرد و به دست مسلمانان اسیرگشت و به بغداد منتقل شد. در بغداد نماینده امام هادی (ع)، امام دهم شیعیان، او را از برده‌فروش خریداری کرد و نامه امام هادی (ع) را که به زبان رومی نوشته شده بود به ایشان داد و با هم به سامرا نزد امام هادی (ع) رفتند و بشارت همسری امام یازدهم شیعیان و مادری منجی بشریت را از ایشان دریافت کرد.

وظیفه آموزش احکام و آداب و دستورات اسلامی به این بانوی بزرگوار، به عهده حکیمه خواهر امام هادی (ع) گذاشته شد و بعد از مدتی به همسری امام حسن عسگری (ع) درآمد، او با مشیت الهی به اسلام گروید و با امام عسکری (ع) ازدواج کرد.

تولد امام زمان (عج)

براساس روایاتی که از پیامبر اکرم (ص) نقل شده بود، فرزندی از امام یازدهم پا به عرصه وجود می‌گذارد که روزی بر سراسر جهان پیروز می‌شد و کاخ‌های ستم را نابود و جهان را پراز عدل و داد می‌کند. بنابراین، حاکمان عباسی همواره در کمین بودند که از به دنیا آمدن این فرزند باخبر شده و او را از بین ببرند.

با وجود همه مراقبت‌ها در سپیده‌دم 15 شعبان سال 255 هجری قمری در شهر سامرا، پایتخت حکومت معتصم عباسی، آخرین جانشین پیامبر اکرم (ص)، فرزند بزرگوار امام عسگری (ع)، درخفا و پنهانی به دنیا آمد و 5 سال در خانه حضرت پرورش یافت درحالی‌که فقط تعداد کمی از یاران امام از وجود ایشان خبر داشتند.

در این مدت امام عسگری(ع)، فرزند بزرگوارش را به عنوان پیشوا و حجت بعد از خود به تعدادی از یاران خاص معرفی کردند تا بعد از ایشان امور دین دچار آشفتگی نشود.

نام و القاب امام زمان (عج)

نام و کنیه امام زمان(عج) همان نام و کنیه رسول خدا(ص) است. براساس برخی روایات، قبل از ظهور امام زمان عج الله تعالی فرجه الشریف بردن نام واقعی ایشان جایز نیست؛ بنابراین مسلمانان از ایشان با القابی مثل «مهدی»، «حجت»، «قائم»، «خلف صالح»، «صاحب الزمان»، «صاحب»، «صاحب الدار» و «بقیة الله» یاد می‌کنند.

تولد امام مهدی(عج) در شرایطی ویژه و به‌دور از چشم دستگاه خلافت عباسی صورت گرفت. حکومت وقت که با اخبار ظهور «مهدی موعود» از طریق روایات نبوی آشنا بود، برای شناسایی و حذف ایشان در آماده باش امنیتی به سر می‌برد. به همین دلیل، ولادت حضرت با تدابیر الهی و به صورت پنهانی انجام شد و تنها یاران خاص و مورد اعتماد امام عسگری (ع) از آن آگاه بودند. این تولد پنهانی، آغازگر دوره‌ای متفاوت در تاریخ امامت شیعه شد؛ دورانی که در آن حجت خدا، اگرچه از دیده‌ها پنهان بود، اما همچنان در زمین حضور داشت و از طریق مسیرهای خاص، وظیفه الهی خویش را ادامه می‌داد.

دوران کودکی و امامت زودهنگام

پس از شهادت پدر بزرگوارش(امام حسن عسکری (ع)) در سال ۲۶۰ هجری قمری، حضرت مهدی (عج) در سن خردسالگی، حدود پنج سالگی، عهده‌دار مقام امامت شد. هرچند این سن از منظر عرفی ممکن است برای رهبری امت زودهنگام به‌نظر برسد، اما در مکتب تشیع، امامت جایگاهی الهی است که به علم و عصمت وابسته است، نه به سن و تجربه دنیایی.

امامان پیشین نیز گواهی بر این قاعده‌اند؛ چنان‌که امام جواد(ع) در سن ۸ سالگی و امام هادی(ع) در حدود ۹ سالگی به امامت رسیدند.

از این رو، سن ظاهری نه تنها مانعی برای جانشینی الهی نیست، بلکه جلوه‌ای از قدرت و حکمت خداوند در هدایت خلق است.

ویژگی‌های امام زمان (عج)

در روایات اسلامی، امام زمان (عج) از نظر خصوصیات جسمی و اخلاقی، شبیه‌ترین فرد به پیامبر اسلام (ص) بیان شده است. ویژگی‌هایی که در بعضی روایات به آنها اشاره شده عبارتند از:

از همه متواضع‌تر در برابر خداوند، دارای آرامش و وقار توصیف‌نشده‌ای، از پدر و مادر برای انسان‌ها دلسوزتر، به آنچه فرمان می‌دهد بیشتر از هرکس عمل می‌کند، و از آنچه نهی می‌کند بیشتر از همه دوری می‌کند. دانا به حلال و حرام، دارای زهد فراوان و بی‌نیاز از مردم درحالی‌که مردم به او نیازمندند. بر مسئولین سخت‌گیر و دقیق و نسبت به مردم بسیار بخشنده و مهربان است.

اگر چه عمری طولانی دارد، دارای چهره‌ای شاداب و جوان است و گذشت زمان بر چهره او اثر نمی‌گذارد.

دوران غیبت

از آنجا که دشمنان همواره درکمین هستند تا به زندگی حضرت خاتمه دهند، به فرمان خداوند ایشان از دیده‌ها غایب شدند و به صورت پنهانی زندگی می‌کنند. دوران زندگی ایشان به دو بخش غیبت صغری و غیبت کبری تقسیم می‌شود.

1- دوران غیبت صغری

امام حسن عسگری (ع) در 8 ربیع الاول سال 260 هجری به دست معتصم عباسی به شهادت رسیدند و حضرت مهدی (ع) در سن 5 سالگی به امامت رسیدند و از همان زمان، دوران غیبت صغری آغاز شد و حضرت به صورت پنهانی زندگی کردند. این دوران 69 سال طول کشید و در تمام این مدت حضرت توسط چهار نایب با شیعیان در ارتباط بودند و مشکلات علمی و فقهی آنان را حل می‌کردند.

«نواب اربعه» یعنی چهار نایب و سفیر خاص امام زمان (ع) این افراد بودند:

1- «عثمان بن سعید قمری» از یازده سالگی در خدمت اهل بیت (ع) بود و حضرت عسگری (ع) به ایشان اعتماد کامل داشتند. سال وفات ایشان 265 هجری قمری است.

2- «محمد بن عثمان بن سعید»، فرزند اولین سفیر که مانند پدرش بسیار مورد اعتماد حضرت عسگری (ع) بود و بعد از او، نایب امام (عج) شد. دوران سفیر بودن ایشان طولانی‌تر از دوران پدرش بود و همواره نامه‌های شیعیان را به حضرت می‌رساند و پاسخ کتبی حضرت را به ایشان باز می‌گرداند. سال وفات ایشان 304 هجری قمری است.

3- «حسین بن روح»، از نزدیکان دومین سفیر بود و در آن زمان به عقل و درایت شهرت داشت. به فرمان امام (ع) توسط محمد بن عثمان به عنوان سفیر سوم معرفی شد. سال وفات ایشان 326 هجری قمری است.

4- «علی بن محمد سمری»، امام (عج) در نامه‌ای که به ایشان نوشت، فرمود: «تو آخرین سفیر مخصوص من هستی و نباید بعد از خود کسی را معرفی کنی». سال وفات ایشان 329 هجری قمری است.

2- دوران غیبت کبری

بعد از درگذشت آخرین نایب خاص امام (عج) در سال 329، غیبت کبری آغاز شد و ادامه دارد تا جهان با ظهورش نورانی گردد و چشم شیعیان به دیدارش روشن شود.

در این دوران به شیعیان توصیه شده امام زمان خویش را بشناسند، او را شاهد بر اعمال خویش بدانند، علم و حکمت بیاموزند، از فتنه‌ها دوری کنند، از یکدیگر دستگیری کنند و اخلاق و رفتار محمدی در پیش گیرند. و پیوسته برای گشایش سختی‌ها و رسیدن به آینده‌ای روشن با ظهور امام زمان (عج) دعا کنند و برای فراهم آمدن شرایط ظهور تلاش کنند.

تفاوت غیبت صغری و غیبت کبری

در هر دو غیبت حضرت از دیده‌ها پنهان شدند ولی در دوران غیبت صغری ارتباط بین امام(عج) و مردم توسط نمایندگان مخصوص برقرار بود. مردم مطالب و مشکلات خود را بیان می‌کردند و پاسخ‌های ایشان را دریافت می‌نمودند. اما در غیبت کبری این ارتباط قطع شد و در واپسین نامه‌ای که از سوی امام زمان (عج) به دست نایب چهارم رسید، به‌صراحت اعلام شد که دیگر نایبی خاص از سوی امام منصوب نخواهد شد و از این پس، شیعیان باید در امور دینی به راویان حدیث و فقهای جامع‌الشرایط رجوع کنند.

دوران غیبت صغری کوتاه بود (69 سال) و علت نام‌گذاری این دوران به صغری هم همین است ولی دوران غیبت کبری طولانی و پایانی برای آن مشخص نیست و علت نام‌گذاری این دوران به کبری هم طولانی بودن و قطع تماس مردم با ایشان است.

زمان دقیق ظهور امام زمان(عج)!

براساس روایات روزی که خداوند فرمان دهد، امام زمان(عج) با یارانش قیام خواهد کرد، حکومت واحد جهانی را تشکیل خواهد داد و عدل و داد بر جهان حکمفرما خواهد شد. رفاه و آسایش عمومی، تقسیم مساوی ثروت بین مردم، زمامداری طبقه مستضعف و محروم جامعه، پاکسازی زمین از ظلم و ستم، رشد فضایل و الای اخلاقی، گسترش بی‌نظیر دانش، امنیت بی‌سابقه، اجرای احکام الهی و توسعه صنعت و فناوری از ویژگی‌های حکومت جهانی حضرت مهدی(عج) است.

زمان ظهور سرّ الهی است

در فرهنگ «مهدویّت» یکی از موضوعات مهم و مورد توجّه، مسأله «وقت ظهور» است؛ ائمه معصومین علیهم السلام نیز همواره مسائل مربوط به حضرت مهدی علیه السلام - به ویژه زمان ظهور آن حضرت - را از اسرار الهی دانسته و وقت‌گذاران را تکذیب کرده‌اند.

با سیری کوتاه در بوستان کلام الهی و بیانات نورانی ائمه اطهار علیهم السلام درباره وقت ظهور، به مطالب ذیل بر خواهیم خورد:

1. علم و آگاهی از زمان دقیق ظهور، تنها به خداوند متعال اختصاص دارد.

2. همواره معصومین علیهم السلام مردم را از تعیین وقت و وقت‌گذاری درباره ظهور حضرت مهدی علیه السلام، برحذر داشته و وقت‌گذاران را تکذیب کرده‌اند.

3. روایات فراوانی رخداد ظهور را ناگهانی دانسته و احادیث دیگری اصلاح امر فرج را یک شبه ذکر کرده است (البته این نیز با تعیین وقت ظهور منافات دارد).

امام محمد باقر (علیه السلام) می‌فرماید: گویا حضرت قائم (عج) را می بینم که روز عاشورا، روز شنبه، بین رکن و مقام ایستاده و جبرئیل پیش روی او ندا می کند: بیعت برای خداست. پس زمین را پر از عدل می کند، همان گونه که پر از ظلم و جور شده بود.

4. اگر چه پنهان بودن زمان ظهور از اسرار الهی است و حکمت الهی اقتضا نموده این وقت نزد مردم مجهول و مکتوم باشد؛ ولی در بعضی روایات به پاره‌ای از حکمت‌های آن، اشاره شده و تا حدودی محدوده زمانی آن معین گشته است.

5. با مراجعه به کلام نورانی معصومین علیهم السلام می‌توان چگونگی آگاه شدن حضرت مهدی علیه السلام از هنگام ظهور را به راحتی دریافت.

از روایاتی که علم به زمان ظهور را ویژه خداوند دانسته، می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد:
در روایت مشهوری آمده است: «وقتی دعبل، شاعر بلند آوازه شیعی، در محضر امام رضا(ع) در ضمن قصیده‌ای، سخن از ظهور و قیام حضرت مهدی(ع) بر زبان جاری ساخت؛ آن حضرت در حالیکه اشک از دیدگانش جاری بود، روبه دعبل کرد و فرمود: ای خزاعی! همانا روح القدس بر زبانت این دو بیت را جاری ساخت. آیا می‌دانی این امام کیست؟ و چه زمانی قیام می‌کند؟

آن گاه خود آن حضرت به معرفی امام مهدی علیه السلام پرداخت. سپس درباره زمان ظهورش چنین فرمود: «وَأَمَّا «مَتَى» فَأَخْبَارُهُ عَنِ الْوَقْتِ فَقَدْ حَدَّثَنِي أَبِي عَنْ أَبِيهِ عَنْ آبَائِهِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلَهُ قِيلَ لَهُ يَا رَسُولَ اللَّهِ مَتَى يَخْرُجُ الْقَائِمُ مِنْ ذُرِّيَّتِكَ؟ فَقَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلَهُ: مَثْلُهُ مَثَلُ السَّاعَةِ الَّتِي لَا يُجْلِبُهَا لَوْ قُتِلَ إِلَّا هُوَ تَقَلَّتْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ لَا تَأْتِيَنَّكُمْ إِلَّا بَغْتَةً». «اما اینکه «چه زمانی ظهور خواهد کرد»، این خبر دادن از وقت است.

پدرم از پدرش و ایشان از پدران‌شان از رسول گرامی اسلام(ص) نقل کرده‌اند که وقتی از آن حضرت سؤال شد: ای رسول خدا! چه زمانی قائم از ذریه شما ظهور می‌کند؟ آن حضرت فرمود: مثل او مانند قیامت است که [خداوند درباره زمان وقوع آن چنین] فرمود: هیچ کس جز او به هنگامش آنرا آشکار نمی‌سازد. این امر بر [اهل] آسمان‌ها و زمین دشوار است، جز به صورت ناگهانی به سراغ شما نمی‌آید». (اعراف، 187). (عیون اخبار الرضا، ج 2، ص 266)

از آنجایی که آن حضرت، مخفی بودن زمان ظهور را همانند زمان قیامت و رستاخیز قلمداد فرموده است؛ همان گونه که علم به زمان قیامت فقط در اختیار خداوند است، علم به زمان ظهور حضرت مهدی(ع) نیز در عهده خداوند است. در احادیث فراوانی از ظهور حضرت مهدی(ع) در کنار قیامت یاد شده است؛ از اینرو، برخی از ویژگی‌های آن همانند رستاخیز است.

ظهور

خداوند در ادامه آیه یاد کرده، علم به قیامت را حتی از پیامبر خود منتفی ساخته است: "از تو می‌پرسند، چنانکه گویا تو از چون و چند آن آگاهی، بگو همانا علم آن نزد خداوند است"

نه تنها این سؤال از اولین معصوم پرسیده شد و ایشان این گونه جواب فرمود که علم به زمان ظهور نزد خداوند است؛ بلکه وقتی از آخرین معصوم نیز چنین پرسشی شد، آن

حضرت در ضمن توقیعی این سان جواب داد: «و اما ظهور فرج همانا در اختیار خداوند متعال است و وقت‌گذاران دروغ گفتند». (کتاب الغیبه، ص 291)

پس روشن می‌شود که زمان آغاز ظهور، یکی از اسرار الهی است و اندیشه و فکر بشر از رسیدن به آن، سخت کوتاه و ناتوان است.

روایات متعدد درباره روز قیام حضرت

روایات مختلفی درباره روز قیام حضرت مهدی (ع) وجود دارد. در برخی، از نوروز به عنوان روز آغاز قیام، یاد شده است و برخی دیگر روز عاشورا را روز آغاز قیام ذکر کرده است. در تعدادی از روایات روز شنبه و در تعدادی دیگر، جمعه، روز قیام تعیین شده است. در همزمانی نوروز، با عاشورا اشکالی به نظر نمی‌رسد؛ زیرا نوروز طبق سال شمسی و عاشورا بر اساس سال قمری محاسبه می‌شود و یکی شدن این دو روز امکان‌پذیر است و هم زمانی این دو روز با جمعه یا شنبه نیز ممکن است. آن چه مشکل و متعارض به نظر می‌رسد، ذکر دو روز از هفته به عنوان روز قیام است؛ ولی می‌توان این دسته از روایات را نیز توجیه کرد؛ اگر سند این روایات صحیح باشد، در این صورت احادیثی که جمعه را روز ظهور حضرت، تعیین کرده اند، بر روز قیام و ظهور حمل می‌شود و روایاتی که شنبه را روز قیام می‌داند، بر استقرار و تثبیت نظام الهی و نابودی مخالفان تفسیر شود.

در روایات دیگر نیز آمده است که ظهور، صبح روز شنبه و عاشورا می‌باشد که حضرت حجت (عج) پس از طلوع آفتاب، پشت مقام حضرت ابراهیم (ع) دو رکعت نماز به جا می‌آورند، میان رکن و مقام، ایستاده و اولین خطبه خود را به گوش جهانیان می‌رساند و پس از معرفی خود، مردم را به بیعت دعوت می‌کنند.

باید توجه داشت که روایاتی که شنبه را روز قیام می‌داند، از نظر سند مورد تأمل است؛ ولی روایاتی که جمعه را ذکر کرده است، از این نظر ایرادی ندارد. و در روایات بسیاری ذکر شده است، که ظهور امام زمان (ع) در سال فرد و در روز فرد تحقق پیدا خواهد کرد.

امام محمد باقر (ع) می‌فرماید: گویا حضرت قائم (عج) رومی بینم که روز عاشورا، روز شنبه، بین رکن و مقام ایستاده و جبرئیل پیش روی او ندا می‌کند: بیعت برای خداست. پس زمین را پر از عدل می‌کند، همان گونه که پر از ظلم و جور شده بود. (غیبه طوسی، ص 274)

امام جعفر صادق (ع) می فرماید: قائم (درود خدا بر او باد) در شب بیست و سوم ماه رمضان، به نام (شریفش) ندا می‌شود و در روز عاشورا، روزی که حسین بن علی (ع) در آن کشته شد، قیام خواهد کرد. (غیبة طوسی، صفحه 274/ بحار الانوار، جلد 52 ص 290)

ای آنکه در نگاهت حجمی زنور داری

کی از مسیر کوچه قصد عبور داری؟

امام مهدی (عج) و منتظران ظهور

با نزدیک شدن به عصر غیبت امام زمان (عج) آخرین منجی بشریت در زمان امام حسن عسکری (ع) حکومت ناخودآگاه تهدیداتی متوجه خاندان وحی و شیعیان کرده بود. فشار و اختناق حکومت عباسیان از یک سو و وجود فرقه های منحرف و مدعیان دروغین مهدویت از سوی دیگر، از جمله این تهدیدات محسوب می شد. اندیشه شیعی رجعت قابل قبول بوده و معنای رجعت آن است که برخی از بزرگان زنده شده، در سایه حکومت عدالت گرامام زمان (ع) زندگی می کنند. در برخی روایات تصریح شده است که حکومت امام زمان (عج) تا قیامت ادامه می یابد که این حدیث ناظر به مدت طولانی بودن حکومت امام زمان (ع) است.

روز جمعه هشتم ربیع الاول سال ۲۶۰ ه.ق، امام حسن عسکری (ع) پس از این که نماز صبح را خواندند، بر اثر زهری که هشت روز قبل معتمد به ایشان خورانده بود، به شهادت رسید. این حادثه در شرایطی روی داد که امام یازدهم افزون بر این که مانند پدران خود زمینه را برای غیبت آماده کرده بود، شب پیش از شهادت شان، دور از چشم مأموران خلیفه، نامه های بسیاری به شهرهای شیعه نشین فرستادند.

خبر شهادت امام در سراسر شهر سامرا پیچید و مردم به احترام او عزاداری کردند. به گفته مورخان، در روز شهادت امام، سامرا به صحرای قیامت تبدیل شده بود. عثمان بن سعید عمری، به نمایندگی از حجت بن الحسن (ع) متصدی غسل و کفن و دفن حضرت شد و بر اساس گفته شیخ صدوق، خود امام زمان (ع) با کنار زدن عمویش جعفر که قصد نمازگزاردن داشت، بر بدن پدر بزرگوارش نماز خواند.

حکومت عباسی از مدت ها پیش بر اساس سخن رسول الله(ص) و امامان معصوم علیهم السلام مبنی بر این که مهدی فرزند امام حسن عسکری (ع) است، امام یازدهم را زیر نظر داشت و مراقب بود تا فرزندی از ایشان نماند، ولی امام یازدهم با پنهان نگه داشتن خبر ولادت فرزندش این نقشه را باطل کرده بود. پس از شهادت امام کم کم خبر فرزندی به نام مهدی علیه السلام پخش شد و تلاش چند باره خلیفه عباسی برای یافتن امام مهدی (ع) به نتیجه نرسید. عثمان بن سعید، نائب اول امام بود و با آغاز غیبت ولی عصر علیه السلام توقیعات حضرت را به شیعیان می رساند. از همین زمان بود که شیعیان برای نخستین بار طعم غیبت را چشیدند.

در دوران غیبت صغرا چهار نایب خاص، امروساطت میان امام علیه السلام و شیعیان را به عهده داشته و چنان که گفته شد، همه آنها معروف و سرشناس بوده اند. آنان احکام دین را از وجود اقدس امام زمان علیه السلام گرفته و در اختیار شیعیان می گذاشتند. سوالات [کتبی و شفاهی] ایشان را به حضور امام زمان(ع) برده و سپس پاسخ را به شیعیان می رساندند و همچنین، وجوه شرعی شیعیان را با وکالتی، که از امام داشتند، می گرفتند [و به حضرت تحویل می دادند یا با اجازه ایشان مصرف می کردند] آنان جمعی بودند که امام حسن عسکری(ع) در زمان حیات خود عدالتشان را تأیید فرمود و همه را به عنوان امین امام زمان (ع) معرفی کرد و بعد از خود، ناظر املاک و متصدی کارهای خویش گردانید، و آنها را با نام و نسب به مردم معرفی نمود. اینها، همه دارای عقل، امانت، وثاقت، یرایت، فهم و عظمت بودند.

لزوم اعتقاد در عصر غیبت

امام جواد (ع) می فرمایند: «حضرت مهدی(ع) بعد از اینکه یادش از خاطره ها محو شد و بیشتر معتقدان به امامتش، از اعتقاد خود برگشتند. قیام می کند». شیعیان آن حضرت باید در عصر غیبت، اعتقاد به وجود مبارک آن حضرت، تقوا و دین داری را سرلوحه اعمال خود قرار دهند؛ چرا که امام صادق (ع) می فرمایند: «صاحب الامر غیبتی خواهد داشت که هر کس در آن دوره بخواهد دیندار بماند، باید سختی هایی را به جان بخرد و دو دستی به دین خود بچسبد».

طول عمر امام زمان (عج)

بلندی عمر امام با در نظر گرفتن عمرهای درازی که قرآن به آنها اشاره کرده و در کتابهای تاریخی نیز آمده نظیر عمر نوح (ع)، موضوع عجیب و پیچیده ای نیست.

در قرآن کریم آمده است: وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا نُوحًا إِلَىٰ قَوْمِهِ فَلَبِثَ فِيهِمْ أَلْفَ سَنَةٍ إِلَّا خَمْسِينَ عَامًا فَأَخَذَهُمُ الطُّوفَانُ وَهُمْ ظَالِمُونَ؛ و به راستی نوح را به سوی قومش فرستادیم پس در میان آنان نهصد و پنجاه سال درنگ کرد تا طوفان آنها را در حالیکه ستمکار بودند فرا گرفت. (سوره عنکبوت، آیه ۱۴)

فَلَوْلَا أَنَّهُ كَانَ مِنَ الْمُسَبِّحِينَ، لَلَبِثَ فِي بَطْنِهِ إِلَىٰ يَوْمِ يُبْعَثُونَ؛ و اگر حضرت یونس از زمره تسبیح کنندگان نبود قطعا تا روزی که برانگیخته می شوند در شکم ماهی می ماند. (سوره صافات، آیات ۱۴۳ و ۱۴۴)

تورات نیز در شرح زندگی پیشینیان به عمرهای طولانی برخی از آن ها اشاره دارد: حضرت آدم ۹۲۰، شیث پسر آدم ۹۱۲، انوش پسر شیث ۹۰۵، لمک ۷۷۷ و حضرت نوح ۹۵۰ سال عمر کردند.

فلاسفه اعتقاد دارند بهترین دلیل برای امکان چیزی، واقع شدن آن است. ضمن اینکه بی تردید تأملی در کائنات و آنچه در اطراف ما قرار دارد، تأکیدی بر قدرت بیکران خالق هستی بخش است، پس شک نیست اینکه خداوند اراده کند بنده ای بسیار بیشتر از سایرین عمر کند، به هیچ عنوان غیر ممکن، بعید و عجیب نیست.

امام زمان (عج) در وقت ظهور چه یارانی می خواهند؟

حسادت را اگر از بین ببریم غرق محبت می شویم و اگر غرق محبت شویم دعای فرج ورد زبانمان می شود. کسی که حسادت نداشته باشد نسبت به ولایت عشق می ورزد. منتظران فرج بدانند آقا یارانی می خواهد که یک ذره در وجودشان حسادت و انانیت نداشته باشند. حسادت نسبت به ولی خدا زشت ترین حسادت است.

اگر دعای فرج را خیلی بخوانید، این دعا ناشی از یک محبت شدید نسبت به آقا است. محبتی که می گوئید خدایا مواظب امام زمان (ع) باش، دستش را بگیر، خدایا حمایتش کن، کمک کن تا ظهور کند؛ در حالی که خدا خودش مراقب امامش هست و نیازی به گفتن ما نیست اما از روی محبت شدید چنین می گوئیم.

از کجا بدانیم که امام زمان (عج) وجود دارد؟

با نزدیک شدن به غیبت امام زمان (عج) به عنوان آخرین منجی بشریت در عصر امام حسن عسکری (ع) ناخودآگاه تهدیداتی متوجه خاندان وحی و شیعیان شده بود.

فشار و اختناق حکومت عباسیان از یک سو و وجود فرقه های منحرف و مدعیان دروغین مهدویت از سوی دیگر، از جمله این تهدیدات محسوب می شد.

در یک نمونه از دشمنی حکومت عباسیان می خوانیم: ابوهاشم جعفری می گوید: «با امام حسن عسکری (ع) در حبس مهتدی بن واثق بودیم؛ حضرت به من فرمود: "این جنایتکار قصد کرده است که امشب با خواست خدا بازی کند (کنایه از این که اراده کرده است که من را بکشد و از ولادت فرزندم جلوگیری کنند)؛ ولی عمو و کفاف نمی دهد و به زودی صاحب فرزندی خواهم شد". فردای آن شب ترکها به او حمله کردند و او را به قتل رساندند و خدا ما را به سلامت نگاه داشت.»

فرقه های منحرف مهدویت افرادی بودند که یا خود را جانشین امام حسن عسکری (ع) می دانستند و یا متوقف بر امامت امام عسکری (ع) به عنوان آخرین منجی شدند، به این ترتیب افرادی مثل جعفر کذاب پس از شهادت امام عسکری (ع) ادعای امامت کرد و با انکار تولد فرزندی برای ایشان، به عنوان تنها وارث، مدعی میراث آن حضرت شد.

همچنین نمونه ای از وقف کنندگان در امامت امام حسن عسکری «لاأدریه» بودند که خود را متهم به «ندانستن» می کردند. آنها گمان می کردند حضرت رحلت کرده، ولی مطمئن نبودند جانشین امام چه کسی است؛ پسرش یا برادرش. بنابراین در امام عسکری (ع) متوقف شدند تا موضوع برای اینها روشن شود. در چنین جوی امام حسن عسکری به تبیین معارف مهدوی می پرداخت و با تشکیل نظام وکالت عملاً شیعیان را برای عصر غیبت که باید به نواب و فقها رجوع کنند، آماده می کرد.

برای نمونه یکی از روایات امام حسن عسکری (ع) درباره معارف مهدوی را مورد بررسی قرار می دهیم.

حسن بن محمد بن صالح بزاز می گوید شنیدم امام حسن عسکری (ع) فرمود: فرزند من همان قائم بعد از من است و همان کسی است که دارای علائم پیغمبران یعنی طول عمر و غیبت طولانی خواهد بود. بر اثر طولانی بودن مدت غیبتش، دلها را قساوت میگیرد و جز افرادی که خداوند مهر ایمان بر دلشان زده و با امداد غیبی مؤید داشته کسی در راه اعتقاد به وی ثابت نمی ماند؛

سمعت حسن بن علی یقول «إِنَّ ابْنِي هُوَ الْقَائِمُ مِنْ بَعْدِي وَ هُوَ الَّذِي يَجْرِي فِيهِ سُنُّ الْأَنْبِيَاءِ (ع) بِالنَّعْمِيرِ وَ
الْعَبِيَّةِ حَتَّى تَقْسُو قُلُوبَ لَطُولِ الْأَمَدِ وَ لَا يَثْبُتَ عَلَى الْقَوْلِ بِهِ إِلَّا مَنْ كَتَبَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ فِي قَلْبِهِ الْإِيمَانَ وَ
أَيَّدَهُ بِرُوحٍ مِنْهُ».

در امام زمان(عج) دو سنت از انبیاء وجود دارد: عمر زیاد و غیبت.

بر اساس این فراز از کلام امام عسگری می توان وجود امام عصر(عج) را اثبات کرد؛ چرا
که بر اساس آیات قرآن و روایات تفسیری پیامبری همچون نوح(ع) دارای عمری طولانی
است؛ آنجا که خداوند فرمود: «ما نوح را به سوی قومش فرستادیم و او را در میان آنان
هزار سال مگر پنجاه سال(یعنی 950 سال)، درنگ کرد، اما سرانجام طوفان و سیلاب آنان
را فراگرفت در حالی که ظالم بودند؛ وَ لَقَدْ أَرْسَلْنَا نُوحًا إِلَى قَوْمِهِ فَلَبِثَ فِيهِمْ أَلْفَ سَنَةٍ إِلَّا
خَمْسِينَ عَامًا فَأَخَذَهُمُ الطُّوفَانُ وَ هُمْ ظَالِمُونَ».

درباره غیبت پیامبران(ع) می توان به غیبت موسی(ع) از قوم خود به مدت 40 روز و نیز
غیبت عیسی(ع) از دیدگان تا به امروز اشاره کرد.

درباره غیبت موسی(ع) از قوم خود در آیه 51 سوره بقره می خوانیم: «وَ إِذْ وَاَعَدْنَا مُوسَى
أَرْبَعِينَ لَيْلَةً ثُمَّ اتَّخَذْتُمُ الْعِجْلَ مِنْ بَعْدِهِ وَ أَنْتُمْ ظَالِمُونَ؛ و آنگاه که با موسی چهل شب قرار گذاشتیم؛
آنگاه در غیاب وی، شما گوساله را[به پرستش] گرفتید، درحالی که ستمکار بودید.»

و درباره غیبت عیسی(ع) در آیات 157 و 158 نساء می خوانیم: وَ قَوْلِهِمْ إِنَّا قَتَلْنَا الْمَسِيحَ عِيسَى
ابْنَ مَرْيَمَ رَسُولَ اللَّهِ وَ مَا قَتَلُوهُ وَ مَا صَلَّبُوهُ وَ لَكِنْ شُبِّهَ لَهُمْ وَ إِنَّ الَّذِينَ اخْتَلَفُوا فِيهِ لَفِي شَكٍّ مِنْهُ مَا لَهُمْ بِهِ
مِنْ عِلْمٍ إِلَّا اتِّبَاعَ الظَّنِّ وَ مَا قَتَلُوهُ يَقِيناً(157)»، «بَلْ رَفَعَهُ اللَّهُ إِلَيْهِ وَ كَانَ اللَّهُ عَزِيزاً حَكِيماً(158)»

و گفته ایشان که: «ما مسیح، عیسی بن مریم، پیامبر خدا را کشتیم»، و حال آنکه آنان او را
نکشتند و مصلوبش نکردند، لیکن امر بر آنان مشتبه شد؛ و کسانی که درباره او اختلاف
کردند، قطعاً در مورد آن دچار شک شده اند و هیچ علمی بدان ندارند، جز آنکه از گمان
پیروی می کنند، و یقیناً او را نکشتند بلکه خدا او را به سوی خود بالا بُرد، و خدا توانا و
حکیم است.»

عقل بر طولانی بودن حکومت امام زمان(عج) حکم می کند و لازمه تشکیل حکومت جهانی
با هدفمندی برقراری عدالت، حاکمیت دین بر جهان است که حکومت حضرت طولانی باشد.
از سوی دیگر در اندیشه شیعی رجعت قابل قبول بوده و معنای رجعت آن است که برخی از
بزرگان زنده شده، در سایه حکومت عدالت گرای امام زمان(ع) زندگی می کنند.

در برخی روایات تصریح شده است که حکومت امام زمان(عج) تا قیامت ادامه می یابد که
این حدیث ناظر به مدت طولانی بودن حکومت امام زمان(ع) است.

پیامبر اسلام(ص) فرمود: «در شب معراج خدای عالم به من فرمود: من سلطنت مهدی را ادامه می دهم و روزگار او را بین دوستانم تا روز قیامت طولانی خواهم کرد».

در روایات، مدت حکومت امام زمان(ع) متفاوت بیان شده است. در برخی از روایات مدت حکومت امام زمان(ع) هفت و نه سال بیان شده است. چنان که از پیامبر(ص) در خصوص مدت حکومت امام زمان(ع) سؤال شد، حضرت فرمود: «یخرج من عترتی یملک سبعاً و تسعاً فیما لا الارض قسطاً و عدلاً».

از امام صادق(ع) درباره مدت حکومت امام زمان(ع) سؤال شد، فرمود: «سبع سنین یکون سبعین سنة من سنیکم هذه».

امام علی(ع) فرمود: «مهدی سی و یا چهل سال حکومت میکند». از روایات مذکور نمیتوان مدت معینی را برای مدت حکومت امام زمان بیان کرد.

همدم تنهایی امام زمان(عج) در عصر غیبت

بیان این نکته ضروری است که شاید مقصود از 7 و 9 سال، 7 و یا 9 قرن باشد. شاید بر همین اساس باشد که در برخی از روایات تصریح شده که هر سال حکومت امام زمان(ع) به اندازه 20 سال دیگر است. (یعنی برابر 20 سال معمولی)

حضرت خضر(ع) از پیامبرانی است که خداوند متعال در آیاتی از قرآن به وی اشاره کرده است. البته برخی نبوت ایشان را ردّ می کنند و او را به عنوان بنده ای صالح معرفی می کنند و قائلند خداوند در قرآن از ایشان به عنوان عبد یاد کرده است و در لسان روایات نیز اینگونه دیده می شود.

مشهورترین آیات مربوط به خضر(ع) را می توان در داستان موسی (ع) و خضر در سوره کهف دانست. زمانی که موسی (ع) با خضر نبی برخورد می کند، خداوند با واژه «عبد» از ایشان یاد می کند و می فرماید: «فَوَجَدَا عَبْدًا مِنْ عِبَادِنَا آتَيْنَاهُ رَحْمَةً مِنْ عِنْدِنَا وَ عَلَّمْنَاهُ مِنْ لَدُنَّا عِلْمًا؛ (موسی(ع) و یوشع) بنده ای از بندگان ما را یافتند که از جانب خود به او رحمتی عطا کرده و از نزد خود به دانشی آموخته بودیم.» اما مهمترین مسأله ای که درباره حضرت خضر(ع) وجود داشته و دارد، ماجرای طول عمر ایشان به واسطه نوشیدن از آب حیات بوده است.

سیدرصفی در حدیث مفصلی از حضرت صادق(ع) روایت می کند: «اما طول عمر خضر، برای آن نبود که منصب نبوت به وی اعطا شود یا کتابی بر او نازل شود، یا دینش، دین

انبیای پیش از خود را نسخ کند، یا دارای مقام امامت باشد که مردم پیروی او را لازم بدانند، یا به خاطر اطاعتی باشد که خداوند بر وی واجب کند بلکه چون در علم ازلی خداوند مقدار عمر قائم ما و طول غیبت او تقدیر شده بود و می دانست که بندگان طول عمر او را انکار می کنند، از این رو عمر خضر را طولانی کرد تا در اثبات طول عمر قائم ما به وسیله آن استدلال شود و بدان وسیله ایراد دشمنان از میان برود و مردم را بر خدا حجت و ایرادی نباشد.» (کمال الدین و تمام النعمة، ج 2، ص 333؛ کتاب الغیبة للحجة، ص 172)

همچنین در یک روایت دیگر حسن بن علی بن فضال می گوید از امام هشتم شنیدم فرمود: «خضر از آب حیات نوشید و زنده است و نمی میرد تا دمیدن در صور او نزد ما می آید و بر ما سلام می دهد و صدایش را بشنویم و خودش را نبینیم و او هر جا نامبرده شود حاضر شود و هر کدام شما نام او را ببرد بر او سلام دهد. او هر سال در موسم حج حاضر شود و همه مناسک را بجا می آورد و در عرفه وقوف کند و بر دعای مؤمنان آمین می گوید و خدا به واسطه او وحشت قائم ما را در حال غیبت بزدايد و غربت و تنهایی اش را با وصلت او مرتفع سازد.» (کمال الدین و تمام النعمة، ج 2، ص 384)

توجه به خدا، در نماز امام زمان (عج)

در نماز امام زمان که توسل به ولی خدا (امام زمان) می شویم. میگویند صد بار بگو: «ایاک نعبد و ایاک نستعین» صد بار، وسط توسل به امام زمان به خدا می گوئیم: «ایاک نعبد» فقط تو، «ایاک نستعین» فقط از تو کمک می خواهیم.

«ایاک» یعنی فقط، «ایاک نعبد، ایاک نستعین» یعنی توسل ما عین توحید است. همان وقتی هم که متوسل می شویم می گوئیم: یا امام زمان، یا حجة بن الحسن، آن منافاتی ندارد. اینها واسطه هستند.

یک مثال: اگر من گفتم: با کلید در را باز کردم، این حرف درست است. کلیدم هم نشان بدهم. اگر گفتم: من با کلید در را باز کردم، دروغ است یا راست؟ اگر گفتم: با دستم در را باز کردم. دروغ است یا راست؟ آن هم راست است. اگر بگویم: خودم در را باز کردم، این هم راست است. اگر هم بگویم: خدا در را باز کرد، این هم درست است. چون خودم و دستم و قدرتم و عقلم و کلیدم همه از اوست. اینها منافاتی ندارد.

ما در مورد امام زمان دعاهاى ویژه اى داریم. اهل بیت ما جملاتی بسیار گفتند.

توجه پیامبر و امامان به امام زمان (عج)

پیغمبر در مورد حضرت مهدی فرمود: پدرم، مادرم، فدای مهدی! (هنوز مهدی به دنیا نیامده است).

امیرالمؤمنین، علی بن ابی طالب در روایت فرمود: مادرم، پدرم، فدای مهدی!

امام باقر فرمود: پدر و مادرم فدای مهدی!

امام رضا فرمود: پدر و مادرم فدای مهدی! قصه چیست؟

حدیثی از امام صادق داریم «وَلَوْ أَدْرَكْتُهُ» اگر من دستم به امام زمان برسد، «لَخَدَمْتُهُ أَيَّامَ حَيَاتِي» (بحارالانوار، ج ۵۱، ص ۱۴۸) تمام عمر خادم می شوم. ماجرا چیست؟

امام رضا(ع) در قنوت نماز ظهر روز جمعه می گوید: اللهم اصلح عبدک خلیفتک بما اصلحت به انبیائک و رسلک» خدایا مشکل امام زمان را حل کن همینطور که مشکل انبیاء را حل کردی. امام رضا در قنوت نماز روز جمعه می گوید: «و اجعلنی من انصار» امام رضا را جزء یاران حضرت مهدی قرار بده.

یعنی معلوم می شود ما نفهمیدیم قصه چیست که امیرالمؤمنین می گوید: پدرم فدایت! پیغمبر می گوید: پدر و مادرم فدایت. ماجرا چیست؟ مسأله چیست؟ البته معنای این نیست که امام زمان مهمتر از امیرالمؤمنین است. نه، پیغمبر، امیرالمؤمنین، امام حسن و امام حسین و امامان ما، اینها که پدرانشان هستند همه مهم تر از حضرت مهدی بودند. ولی گاهی یک کاری را توسط نسل پنجم انجام می دهند. توفیقی که حضرت مهدی دارد هیچ یک از ۱۲۴ هزار پیغمبر نداشتند. موفقیت مهم است. چون گاهی وقت ها یک چیزی را به یک کسی می دهند.

حدیث داریم امام زمان فرمود: من شما را فراموش نمی کنم. (اگرچه گاهی ما ایشان را فراموش می کنیم بعضی از وقت ها امام زمان(ع) از دست ما ناراحت است) اما در عین حال امام زمان فرمود: من هر روز به شما دعا می کنم اگر دعای من پشت سر شما نبود، دشمنان شما را قورت داده بودند.

چراغ امید در دل انتظار

چرا شناخت امام زمان (عج) برای یک مسلمان اهمیت دارد؟ آیا می‌توان به ایمانی استوار رسید بدون آن که حجت زمان خود را بشناسیم؟ پاسخ به این پرسش‌ها، به درکی عمیق‌تر از هویت دینی و مسئولیت فردی در عصر غیبت منجر می‌شود. حضرت مهدی (ع) گرچه حضورش پنهان است، اما هدایتش پیوسته جاری‌ست.

ارتباط معنوی مؤمنان با امام زمان (عج)

ارتباط معنوی میان مؤمنان و امام زمان (عج) یکی از پایه‌های اصلی حفظ و تقویت باور به مهدویت در دوران غیبت است. این ارتباط، فراتر از دیدار و حضور ظاهری، از طریق دعا، توسل، نیایش و انجام فرایض دینی شکل می‌گیرد و تقویت می‌شود.

دعا و مناجات و به‌عنوان زبان دل، امکان ارتباط مستقیم و صمیمی با حضرت را فراهم می‌آورد و در شرایط غیبت، سرچشمه آرامش روح و اطمینان قلبی برای منتظران است. توسل به آن حضرت، به ویژه در مواقع دشواری و نیاز، نه تنها مایه امید و توکل، بلکه محرکی برای حرکت در مسیر عمل صالح است. علاوه بر این، انجام مستمر فرایض دینی، از نماز و روزه گرفته تا صدقه و انفاق و خدمت به خلق، زمینه‌ای فراهم می‌کند تا مؤمنان با خلوص نیت، خود را در مسیر انتظار فعال قرار دهند و به شکلی ملموس، پیوند معنوی خود را با امام زمان (عج) استوار کنند.

موانع ظهور امام زمان (عج)

موانع ظهور امام زمان (عج) از دیدگاه منابع دینی و تحلیل‌های علمای شیعه، به دو دسته کلی درونی (مربوط به جامعه شیعه و امت اسلامی) و بیرونی (مربوط به شرایط جهانی) تقسیم می‌شود.

➤ نبود آمادگی واقعی در جامعه شیعه

نبود ایمان عمیق، معرفت و تبعیت از ولایت.

ضعف در یاری‌رسانی عملی به امام (عج).

تفرقه و عدم انسجام در میان امت اسلامی.

➤ گسترش فساد اخلاقی و ظلم

بی‌عدالتی، ظلم گسترده و تبعیض.

شیوع گناه، غفلت از دین و دلبستگی شدید به دنیا.

کاهش روحیه عدالت‌خواهی در مردم.

➤ نبود یاران صالح و کارآمد

امام (عج) برای قیام نیاز به یاران وفادار، آگاه و فداکار دارد (به تعبیر روایات، «۳۱۳ نفر»).

هنوز زمینه تربیت و شکل‌گیری چنین نیروهایی در سطح جهانی فراهم نشده است.

➤ امتحان الهی و سنت‌های خداوند

بر اساس سنت‌های الهی، تحقق وعده ظهور نیازمند طی شدن مراحل خاصی از رشد و

امتحان برای امت است.

غیبت، فرصتی برای پالایش اعتقاد و آزمایش وفاداری پیروان است.

➤ عدم تحقق شرایط جهانی

فراهم نبودن شرایط سیاسی، اجتماعی و فرهنگی برای پذیرش حکومت جهانی عدالت‌محور

نبود آمادگی اکثریت ملت‌ها برای پذیرش یک منجی الهی

امام زمان (عج) در ادبیات و فرهنگ اسلامی

اندیشه مهدویت نه تنها ریشه‌ای عمیق در متون دینی و کلام شیعی دارد، بلکه در فرهنگ،

هنر و ادبیات اسلامی نیز حضوری پررنگ و ماندگار داشته است.

شاعران بزرگی همچون محتشم کاشانی و عمان سامانی با زبان مرثیه و مناجات، و نیز

شاعران معاصر چون سید حسن حسینی و قیصر امین‌پور، با بیانی نو و اجتماعی، تصویر

انتظار و غربت امام مهدی (عج) را در قالب اشعار آیینی و عاشقانه زنده نگه داشته‌اند.

در کنار شعر و ادب، ادعیه و زیارات ویژه نیز نقش مهمی در حفظ پیوند معنوی میان شیعیان

و امام زمان (عج) ایفا کرده‌اند. دعای ندبه، با مضامین اشتیاق و انتظار است. دعای عهد،

پیمانی روزانه برای وفاداری و آمادگی ظهور است و زیارت آل یاسین، جلوه‌ای از شناخت

و توسل آگاهانه به ساحت آن امام غایب است.

ظهور امام زمان (عج)، صرفاً یک واقعه مذهبی نیست؛ بلکه تحولی ژرف و جهانی است که همه ابعاد حیات انسانی، از سیاست و اقتصاد تا فرهنگ و اخلاق را دگرگون خواهد کرد. در حکومت جهانی حضرت، عدالت معیار اصلی حاکمیت خواهد بود، نه قدرت. علم و آگاهی جای جهل و تحریف را خواهد گرفت، و توحید، اساس وحدت واقعی انسان‌ها خواهد شد. این وعده، امیدی ریشه‌دار در دل منتظران است و محدود به شیعیان یا حتی مسلمانان نیست. اندیشه ظهور منجی، در ادیان بزرگی چون مسیحیت، یهودیت، زرتشتی‌گری و حتی آموزه‌های معنوی نوین نیز، به‌گونه‌ای مشترک منعکس شده است. این اشتراک، نشان می‌دهد که فطرت انسانی، در هر عصر و آیینی، نیازمند تحقق جهانی پر از نور، صداقت و آزادی است.

نتیجه‌گیری

حضرت مهدی (عج) به‌عنوان حجت خدا بر زمین و منجی نهایی بشریت از تولد و امامت زودهنگام ایشان تا دوران غیبت صغری و کبری، همواره نقش هدایت‌گر و امیدبخش ایشان در زندگی معنوی و اجتماعی شیعیان برجسته بوده است. ارتباط معنوی مؤمنان با امام از طریق دعا و توسل و انتظار سازنده برای ظهور، پایه‌های اساسی این باورند که نه تنها به اصلاح فردی، بلکه به شکل‌گیری جامعه‌ای عدالت‌طلب و اخلاق‌مدار می‌انجامند.

امام زمان (عج)، حجت خدا بر زمین است، حتی اگر ظاهر او از ما پوشیده باشد. در این چارچوب، انتظار فرج، حالتی ایستا و منفعلانه نیست؛ بلکه حرکتی پویا، عقلانی و مسئولانه است. انتظار سازنده، به معنای آمادگی مداوم برای برقراری حکومت عدل الهی است. منتظر واقعی، نه فقط کسی است که دعا می‌کند، بلکه آن‌کس است که خود و جامعه‌اش را برای ظهور، آماده می‌سازد.

در آموزه‌های دینی، انتظار از برترین عبادات شمرده شده است. چنان‌که پیامبر اکرم (ص) فرمودند: «أَفْضَلُ أَعْمَالٍ أُمَّتِي أَنْتَظَرُ الْفَرَجَ». (برترین اعمال امت من، انتظار فرج است). این حدیث گواهی بر آن است که انتظار، با روح بندگی، تلاش، اصلاح اخلاقی و اجتماعی و تعهد در هم آمیخته است. در واقع، عصر غیبت فرصتی است برای خودسازی، معرفت‌افزایی، حفظ ایمان در شرایط دشوار و تلاش برای عدالت‌خواهی؛ همگی عناصری که در نهایت، زمینه‌ساز تحقق ظهور خواهند بود.

« خداوند ظهورش را نزدیک فرماید آمین »

منابع

کتاب عصاره خلقت

کتاب امام زمان (ع)

مرکز اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی

اختصاصی حوزه نت

فصلنامه علمی تخصصی مطالعات مهدوی